

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۹ جولای ۲۰۱۶

هراس جمهوری اسلامی از رشد مبارزات کارگران!

رشد روزافزون اعتراضات کارگری، یکی از مؤلفه های مهم اوضاع سیاسی کنونی ایران می باشد. این امر واقعیتی است که حتی خود دیکتاتوری لجام گسیخته جمهوری اسلامی هم قادر به کتمان آن نیست. به همین دلیل هم هر روزی که می گذرد تلاش های سرکوب گرانه بورژوازی حاکم علیه این مبارزات اشکال جدیدتری به خود می گیرد. این بورژوازی به مثابه طبقه ای انگل می کوشد با کمک رژیم حامی اش جمهوری اسلامی هر طور شده از کارگران زهر چشم گرفته و آن ها را از اعتراض و مبارزه علیه شرایط دهشتناکی که برای شان ایجاد کرده، باز دارد.

بورژوازی دندان گرد حاکم از یک سو شیره جان کارگران را مکیده و به دیگ سرمایه می ریزد و از سوی دیگر حتی آن حداقل دستمزدی که لازمه بازتولید نیروی کار می باشد را نیز به کارگران نمی دهد. در چنین شرایطی وقتی که کارگران برای دریافت حقوق های معوقه خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی می زنند، نیروی سرکوب حاضر و آماده خود را به جان کارگران می اندازد. اگر نگاهی به برخورد جمهوری اسلامی با کارگران در همین دو ماه اخیر بیندازیم، به عینه می بینیم که مأموران جمهوری اسلامی در چهار گوشه کشور پیگیرانه و سیستماتیک به اعتراضات کارگری یورش برده و کارگران معترض را بازداشت کرده و یا آن ها را به بی دادگاه های خود کشانده و به جریمه و شلاق و زندان محکوم کرده است.

از میان نمونه های زیادی که اخبارش از سوی رسانه های رژیم انعکاس یافته می توان به نمونه کارگران پیمانکاری شهرداری منطقه ۴ اهواز اشاره نمود. این کارگران روز دوشنبه ۲۴ خرداد ماه [جوزا] ۱۹۳۵ در اعتراض به معوقات مزدی خود مقابل ساختمان شهرداری منطقه ۴ اهواز تجمع کرده بودند که با یورش مأموران انتظامی مواجه شده و حدود ساعت ۹ صبح، ۲۴ کارگر توسط عوامل انتظامی بازداشت شدند. بر اساس گزارش های منتشر شده در رسانه های رژیم، این کارگران چند روز پس از بازداشت هنوز در زندان به سر برده و قرار است برای تشکیل پرونده قضائی به دادگاه منتقل شوند. مورد دیگر، دستگیری ۳ کارگر معدن البرز شرقی در شاهرود می باشد. کارگران این معدن روز یکشنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۹۳۵ در ادامه مخالفت شان با فروش کوی سازمانی کارگران، در مقابل درب ورودی مجتمع رفاهی و اقامتی کوی سازمانی این معدن مبادرت به تجمع کرده بودند که مأموران انتظامی سه کارگر معترض را بازداشت نمودند.

هم چنین روز شنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۹۵ وکیل کارگران معدن سنگ آهن بافق از احکامی که علیه کارگران این معدن صادر شده خبر داد. همه این خبرهایی که بیانگر هجوم رژیم حامی بورژوازی ایران به کارگران مبارز ماست در شرایطی شنیده می شود که وکیل ۱۷ کارگر معترض معدن طلای "آق‌دره" در آذربایجان غربی روز چهارشنبه ۵ خرداد ماه ۱۳۹۵ از اجرای احکام شلاق و مجازات نقدی برای کارگران این معدن خبر داد و گفت: احکام شلاق و جریمه نقدی کارگران در روزهای اخیر به اجراء درآمده است. این ۱۷ کارگر بخشی از کارگرانی می باشند که در سال ۹۳ در اعتراض به اخراج ۳۵۰ نفر از همکاران شان مباردت به تجمع اعتراضی نموده بودند.

به شلاق بستن ۱۷ کارگر معدن "آق‌دره" آن هم در ملاء عام و انعکاس خبر و عکس های این "شکنجه خیابانی" خود به روشنی اهداف رژیم سرکوبگر حاکم را از چنین ددمنشی هائی نشان می دهد. وقتی که جمهوری اسلامی مجبور می شود شکنجه را علناً در خیابان ها به نمایش بگذارد، روشن است که به این وسیله قصد دارد هر چه بیشتر فضای رعب و وحشت را در سطح جامعه و جنبش کارگری گسترش دهد. جو وحشتی که از نظر سردمداران رژیم قرار است در عزم کارگران جهت رسیدن به مطالبات به حق شان اخلاص ایجاد کند. اما اخلاص در عزم کارگران و باز داشتن آن ها از مبارزه برای رسیدن به خواسته های شان چه معنائی جز این دارد که به این وسیله جمهوری اسلامی در صدد ایجاد شرایطی است تا بورژوازی زالو صفت حاکم با خیال راحت تری شیرۀ جان کارگران را بمکد و بهره‌کشی را بیش‌مانه‌تر از قبل پیش ببرد.

تشبثات جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از گسترش اعتراضات طبقه کارگر خود به روشنی خبر از رشد روز افزون این مبارزات داده و نشان می دهد که سردمداران دیکتاتوری حاکم در وحشت از رشد بیشتر این مبارزات در تلاش اند تا با ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران آن ها را از مبارزه عادلانه شان باز دارند. هراس رژیم حامی بورژوازی زالو صفت از اعتراضات صنفی و اعتصابات کارگری درست در آن چیزی است که در پشت سر این تجمعات می بینند. آن ها می دانند که در پشت هر اعتصاب، اژدهای انقلاب کمین کرده است. هراس آن ها از متحد شدن کارگران و ارتقاء مبارزات پراکنده آن ها به مبارزه و جنبشی همگانی است. امری که لازمه رهایی از وضع نکبت بار کنونی است. به همین دلیل هم پاسخ کارگران ما به این وحشی گری ها باید تلاش هر چه بیشتر جهت تشدید مبارزات خود باشد. سلطه ددمنشانه جمهوری اسلامی عامل اصلی تداوم وضع وخامت بار زندگی کارگران می باشد و از این رو تنها با مبارزه در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته اش می توان به سلطه بورژوازی ایران که با هر تار و بود خود به امپریالیست ها وابسته است، پایان داد.

در شرایطی که جمهوری اسلامی جهت حفظ وضع موجود از هیچ جنایتی خودداری نمی کند و این را مقابله جنایتکارانه این رژیم با مبارزات روزمره کارگران به عینه به نمایش می گذارد، کارگران پیشرو ما باید بدانند که تا مبارزات اقتصادی طبقه کارگر به مبارزه سیاسی و آن هم مبارزه جهت نابودی جمهوری اسلامی ارتقاء نیابد سخنی هم از رهایی و رسیدن به آزادی و بنای جامعه ای عاری از ظلم و ستم در میان نخواهد بود. باشد که تلاش های مبارزاتی امروز کارگران و کمونیست های حامی این طبقه راه را برای رسیدن به این مقصد هر چه هموارتر سازد.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۹ ، خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۵